

## A Study of Image Schemas in Surah Şād Based on Johnson’s Theory

Kamal Razian<sup>a</sup>, Fereshteh Afzali<sup>b\*</sup>

<sup>a</sup> MA in Arabic Language Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

<sup>b</sup> Assistant Professor, Arabic Language Translation Department, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

### KEYWORDS

cognitive linguistics,  
image schemas,  
Johnson and Lakoff,  
Surah Şād

Received: 30 March 2025;  
Accepted: 03 June 2025

Article type: Research Paper  
DOI: 20.1001.1.23452234.1401.10.2.1.2

### ABSTRACT

Image schemas represent the connection between everyday human experiences and cognitive processes. Through this interaction, new interpretations of textual imagery emerge. Analyzing these schemas in the metaphors of the Holy Qur’ān reveals the conceptual structures and complex semantic layers of its verses. This study adopts a descriptive-analytical approach within the framework of cognitive linguistics to examine image schemas in Surah Şād, based on Johnson’s (1941) theory. The research corpus consists of the text of Surah Şād, which includes narratives of prophets inherently involving motion, change, and power dynamics—thus providing a basis for investigating motion and power schemas. In this process, containment, motion, and power schemas are extracted, addressing the following questions: Which of these three schema types are present in the surah, and to what extent can they serve as a suitable model for studying Qur’anic metaphors? Quantitative analysis and classification of the data reveal that among image schemas, containment and motion schemas occur most frequently, while among multi-dimensional composite schemas, the containment-motion schema is the most prevalent.

\* Corresponding author.  
E-mail address: f.afzali@du.ac.ir



## طرح‌واره‌های تصویری در سوره ص با تکیه بر نظریه جانسون

کمال رضیان الف، فرشته افضلی ب\*

الف دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران،

kamal.razian32@gmail.com

ب استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران، f.afzali@du.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
زبان‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری، جانسون، سوره ص	طرح‌واره‌های تصویری، بیان‌گر پیوند میان تجربه‌های روزمره انسان و نظام فرایندهای ذهنی است و در نتیجه این تعامل، دریافت‌های تازه‌ای از تصاویر متن به وجود می‌آید. واکاوی این‌گونه طرح‌واره‌ها در استعاره‌های قرآن کریم، ساختارهای مفهومی و لایه‌های پیچیده معنایی آیات قرآن را نمایان می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی آن است که بر پایه زبان‌شناسی شناختی به واکاوی طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه جانسون (۱۹۴۱) بپردازد. پیکره این پژوهش، دربردارنده متن سوره ص است. این سوره، دارای داستان‌های پیامبران است که به گونه طبیعی شامل حرکت، تغییر و تعاملات قدرتی است و امکان بررسی طرح‌واره‌های حرکتی و قدرتی را فراهم می‌کند. در روند آن، طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی استخراج می‌گردد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام یک از سه گونه طرح‌واره در این سوره وجود دارد و این طرح‌واره‌ها تا چه حد می‌تواند الگویی مناسب برای مطالعه استعاره‌ای قرآن باشد. از بررسی کمی داده‌ها و طبقه‌بندی آنها این‌گونه برمی‌آید که از مجموع طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره حجمی و حرکتی، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و در میان طرح‌واره‌های چندوجهی ترکیبی نیز، طرح‌واره حجمی - حرکتی، بیشترین کاربرد را دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳	
مقاله علمی پژوهشی	

### ۱. مقدمه

یکی از رویکردهای مهم زبان‌شناسی در کنار زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا، زبان‌شناسی شناختی است که مطالعات مربوط به آن از دهه ۱۹۷۰م آغاز شد و از دهه ۱۹۸۰ به بعد گسترش یافت. زبان‌شناسی شناختی با پرداختن به روابط شناختی و تعاملات انسانی با پدیده‌های پیرامون، تلاش می‌کند از راه تجربیات به درک معنا برسد. یکی از زیرساخت‌های مهم در حوزه رویکردهای شناختی زبان، استفاده از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری است. طرح‌واره‌های تصویری، بیشتر نتیجه تعامل بشر با جهان بیرون است که در چارچوب مضامین انتزاعی شکل می‌گیرد و ابزاری پایه برای فهم بسیاری از درون‌مایه‌های ذهنی به شمار می‌رود. با بررسی طرح‌واره‌های تصویری، درک ما از پدیده‌های انتزاعی بیشتر می‌شود. درک تجربیات بر مبنای مکان، اشیاء و مواد، ما را توانمند می‌سازد که پاره‌ای از تجربیات خود را بر پدیده‌های انتزاعی و غیر ملموس تطبیق دهیم و با آنها مانند اشیاء و مواد ملموس رفتار کنیم.

پرداختن به تصورات متافیزیک و مفاهیم اخلاقی و پیوند آن با تجربه‌های شناختی روزمره و محسوس زندگی، در گونه زبان و بیان دینی، حضور پررنگ دارد؛ به همین روی واکاوای طرح‌واره‌های تصویری در استعاره‌های قرآن کریم، ساختارهای مفهومی و لایه‌های پیچیده معنایی آیات قرآن را نمایان می‌نماید. نظر به اینکه طرح‌واره تصویری یکی از عوامل زبان‌شناسی شناختی در بیان مضامین انتزاعی است، بررسی طرح‌واره‌های تصویری و اشکال سه‌گانه آن در بافت روایی، به فهم بیشتر و تأثیرگذاری ژرف‌تر می‌انجامد.

این پژوهش در تلاش است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی گونه‌های طرح‌واره تصویری، به چگونگی انتقال مفاهیم شناختی و بیان دلالت‌های معنایی آن بپردازد. اهمیت‌گزینش سوره ص از یک‌سو به سبب توجه خاص آن به ساخت‌های معنوی و ایده‌های ذهنی و مورد تأکید در استعاره مفهومی به‌عنوان حوزه مقصد است و از سوی دیگر با موضوعات ملموس و عینی جهان هستی به‌عنوان حوزه مبدأ، پیاده‌سازی می‌گردد. این سوره به سبب داشتن مفاهیم انتزاعی و عینی، ساختار روایی و داستانی و تکیه بر مفاهیم شناختی، بستری مناسب برای بررسی طرح‌واره‌های تصویری است. درون‌مایه این سوره را می‌توان در پنج بخش خلاصه کرد: ۱. توحید و مبارزه با شرک؛ ۲. نبوت پیامبر اسلام و گوشه‌ای از تاریخ ۹ نفر از پیامبران خدا؛ ۳. سرنوشت کفار طاعی و باغی در قیامت و جدال آن‌ها در دوزخ؛ ۴. سخن از آفرینش انسان و مقام والای او و سجده فرشتگان بر آدم؛ ۵. تهدیدی برای همه دشمنان لجوج و تسلی خاطر برای پیامبر اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹). این سوره، دارای داستان‌های پیامبران است که به‌گونه طبیعی شامل حرکت، تغییر و تعاملات قدرتی است و امکان بررسی طرح‌واره‌های حرکتی و قدرتی را فراهم می‌کند؛ برای نمونه: داستان حضرت داود و سلیمان شامل حرکت‌های فیزیکی (مانند بالا رفتن از دیوار) و تعاملات قدرتی (مانند مقاومت در برابر وسوسه‌ها) است.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. طرح‌واره‌های تصویری در سوره ص کدام است؟

۲. کدام‌یک از گونه‌های طرح‌واره‌های تصویری، بیشترین فراوانی را دارد؟

### ۱.۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حوزه طرح‌واره‌های تصویری در قرآن کریم صورت گرفته است:

۱. قائمی و ذوالفقاری (۱۳۹۵) در مقاله «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن» به انواع طرح‌واره‌ها در این حوزه پرداخته‌اند.

۲. دریش و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی کاربست طرح‌واره‌های تصویری جانسون در قرآن کریم با تکیه بر اشاره‌های تربیتی و آموزه‌های اخلاقی از کلام وحی» به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین فراوانی طرح‌واره‌های تصویری در قرآن کریم مربوط به موضوعات وحی، معاد، نبوت، بهشت، جهنم و تبعیت (پیروی) است.

۳. توکل‌نیا و حسومی (۱۳۹۵) در مقاله «طرح‌واره‌های تصویری حرف (فی) در قرآن بر پایه نظریه جانسون» به این نتیجه رسیده‌اند که مفاهیم انتزاعی از طریق طرح‌واره‌های مختلفی مانند طرح‌واره جهتی، حرکتی، همسانی، موجودیت و... برای خواننده این آیات، قابل فهم شده است.

۴. کریمی بروجنی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بازنمایی طرح‌واره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن» به

بررسی نقش این طرح‌واره در مفهوم‌سازی و درک مفاهیم اخلاقی قرآن پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی در قرآن، از راه استعاره‌های دربردارنده طرح‌واره، قابل شناخت هستند.

۵. عابدی جزینی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی طرح‌واره تصویری عذاب در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی»، مفهوم انتزاعی عذاب را در طرح‌واره‌های حرکتی، دوری و نزدیکی، خطی، عقب و جلو و نیرو به تصویر کشانده‌اند.

۶. راست‌گو و صالحی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی طرح‌واره تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی با رویکرد زبان‌شناسی شناختی» به طرح‌واره تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در طرح‌واره قدرتی، مفاهیم انتزاعی کفر و نفاق، چون سد به تصویر درآمده است.

۷. کرد زعفران‌لو و ابراهیم پورنیک (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب معناشناسی شناختی»، طرح‌واره‌های تصویری دوزخ و بهشت را در سه سوره واقعه، انسان و الرحمن بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که طرح‌واره حرکتی، بیشترین و طرح‌واره قدرتی، کمترین تعداد را به خود اختصاص داده است.

۸. جمشیدی و محمدی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی در جزء سی‌ام قرآن کریم»، استعاره‌های مفهومی را از دیدگاه معناشناسی شناختی بررسی کردند و به انواع طرح‌واره‌های اجبار، مانع، رفع مانع، تغییر مسیر یا انحراف، نیروی متقابل، جذب و کشش و توانایی اشاره کردند.

۹. جهان‌بخت و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «طرح‌واره‌های تصویری در سوره آل عمران از دیدگاه لیکاف و جانسون»، به بررسی سه نوع طرح‌واره حجمی، حرکتی و قدرتی پرداختند و به این یافته رسیدند که طرح‌واره حرکتی در این سوره بیشتر بر حوزه مقصد تأکید دارد و طرح‌واره حجمی در قالب ظرف و مظروف و طرح‌واره قدرتی با انواع انسداد برجسته می‌گردد.

با توجه به پژوهش‌های بالا، هیچ پژوهشی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در سوره ص نپرداخته است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲.۱. استعاره مفهومی<sup>۱</sup>

استعاره، در باور جانسون (۱۹۴۱) و لیکاف (۱۹۸۷)، عامل اصلی ایجاد طرح‌واره‌های تصویری است. «استعاره در ماهیت خود، مفهومی و یکی از مهم‌ترین عوامل فهم انسان به شمار می‌آید و نقش بنیادین در ساختمان واقعیت اجتماعی و سیاسی دارد» (لیکاف، ۱۳۹۶: ۲۶۲). نخستین بار مایکل ردی در سال ۱۹۷۹ در مقاله «استعاره مجزا»، تعریف جدیدی از استعاره ارائه داد و پیشنهاد کرد که سطح تحلیل استعاره‌ها، ذهن است و نه زبان. لیکاف و جانسون در کتاب «استعاره چیزی که به آن زندگی می‌کنیم» (۱۹۸۰) استعاره‌های مفهومی را معرفی کردند.

استعاره‌ها، یکی از ابزارهای اصلی زبان برای انتقال مفاهیم پیچیده در قالب طرح‌واره‌های تصویری هستند (Lakoff & Johnson, 1980: 80). ماهیت استعاره، مفهومی‌سازی است؛ یعنی معمولاً حوزه معنایی پیچیده و انتزاعی را با حوزه معنایی ساده و ملموس مقایسه کرده و از این راه، حوزه پیچیده و انتزاعی را فهم‌پذیر می‌کند. در استعاره، حوزه

<sup>1</sup> Conceptual Metaphor Theory

مفاهیم پیچیده بر پایه حوزه مفاهیم ملموس، فهم می‌شود (همان: ۱۳۴). به عبارت دیگر، حوزه مقصد از راه حوزه مبدأ فهمیده می‌شود؛ زیرا شباهت‌ها یا مطابقت‌هایی میان این دو حوزه وجود دارد (معصومی و کردبچه، ۱۳۸۹: ۸۴).

## ۲.۲. طرح‌واره‌های تصویری<sup>۲</sup>

یکی از زیرساخت‌های مهم در زمینه دانش معناشناسی، به‌کاربردن طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی است. تاکنون نظریه‌های بی‌شماری برای معرفی و مطالعه چگونگی شناخت انسان از محیط پیرامون و چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن، ارائه شده است؛ یکی از این نظریه‌ها به بحث طرح‌واره‌های تصویری می‌پردازد. به نظر جانسون (۱۹۸۷: ۲۹)، تجربیات ما از جهان خارج، ساخت‌هایی در ذهن ایجاد می‌کند که ما آن‌ها را به زبان خود انتقال می‌دهیم؛ این ساخت‌های مفهومی همان طرح‌واره‌های تصویری است.

اصطلاح «طرح‌واره تصویری» نخستین بار، به‌طور هم‌زمان در دو کتاب «بدن در ذهن<sup>۳</sup>» اثر مارک جانسون و «زن‌ها، آتش و اشیای خطرناک»<sup>۴</sup> اثر جورج لیکاف در سال ۱۹۸۷ میلادی مطرح شد. دغدغه اصلی نویسندگان این کتاب‌ها، پاسخ به این پرسش بود که چگونه معنا، تصور و استدلال، از تعاملات بدنی ما با محیط پیرامون، شکل می‌گیرد و ذهن به درک مفاهیم انتزاعی توانا می‌شود (Johnson, 2005, p. 15). به نظر جانسون، حرکات بدنی انسان‌ها و ارتباط حسی آنها با جهان خارج، از الگوهای تکراری پیروی می‌کند که طرح‌واره‌های تصویری نام دارد. این نظریه در اواخر دهه ۸۰ توسط لیکاف و جانسون گسترش یافت و به‌سرعت، توسط سایر پژوهشگران به کار رفت.

جانسون با معرفی مفهوم طرح‌واره‌های تصویری، بر این باور بود که این طرح‌واره‌ها، الگوهایی تکرارشونده و پویا از تعامل حسی و ادراکی حرکتی ما در محیط هستند که به تجربه، انسجام و ساخت می‌بخشند (Johnson, 1987, pp. xvi). پیش‌نمونه‌ها و طرح‌واره‌ها، هر دو ابزار مقوله‌بندی‌اند. بدون توانمندی مقوله‌بندی پدیده‌های جهان خارج، انسان در محیطی آشوب‌گرانه سردرگم می‌ماند؛ ولی مقوله‌بندی، از رهگذر وجود پیش‌نمونه‌ها و طرح‌واره‌ها به شناخت او از جهان سامان می‌بخشد و موجب می‌شود که او بتواند پدیده‌ها و پندارها را در قالب مقولات، طبقه‌بندی کند (افراشی، ۱۳۹۰: ۲۲). لیکاف (۱۹۹۰، ۱۹۹۳) بر این باور است که طرح‌واره‌های تصویری می‌تواند به‌عنوان حوزه‌های مبدأ در نگاشت استعاری به کار رود.

جانسون، هشت ویژگی را برای طرح‌واره‌های تصویری مطرح می‌کند: ۱. حاصل ارتباط جسمی ما با دنیای اطراف‌اند؛ ۲. ساده نیستند و می‌توانند ساختار داخلی پیچیده‌ای داشته باشند؛ ۳. چندبعدی هستند و تنها نتیجه درک از طریق یک حس نیستند؛ ۴. طرح‌واره‌های تصویری ذاتاً معنادار هستند؛ ۵. توان تبدیل شدن از یک طرح‌واره به طرح‌واره‌ای دیگر را دارند؛ ۶. دارای خاستگاهی پیش مفهومی (Pre-conceptual) هستند و نمی‌توان آن‌ها را با تصاویر ذهنی، یکی دانست؛ ۷. چندوجهی هستند؛ به همین سبب نمی‌توانیم چشمان خود را ببندیم و یک طرح‌واره تصویری را مجسم کنیم؛ ۸. می‌توانند به‌صورت خوشه یا شبکه‌ای از چند طرح‌واره تصویری مرتبط روی دهند (لیکاف، ۱۹۸۷: ۴۵).

<sup>2</sup> Image Schema

<sup>3</sup> The Body in the Mind

<sup>4</sup> Women, Fire and Dangerous Thing

### ۳.۲. گونه‌های طرح‌واره تصویری

طرح‌واره‌های تصویری به انواع گوناگونی دسته‌بندی می‌گردد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: طرح‌واره حجمی، حرکتی و قدرتی (تیلر، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

۳.۲.۱. طرح‌واره حجمی:° این طرح‌واره از دیدگاه جانسون و لیکاف از تجربه‌های فیزیکی انسان گرفته شده است که در تعامل با محیط فیزیکی او شکل می‌گیرد (Lakoff & Johnson, 2009: 77). انسان از راه تجربه قرار گرفتن در اتاق، تخت و دیگر مکان‌هایی که حجم دارند و می‌توانند نوعی ظرف به شمار آیند و نیز قرار دادن وسایل مختلف در مکان‌هایی که حجم دارند، بدن خود را نوعی ظرف دارای حجم در نظر گرفته و طرح‌واره انتزاعی را از حجم‌های فیزیکی در ذهن خود پدید می‌آورد (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۴). بدین روش به آن‌ها حجم و اندازه (فرم هندسی) می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

۳.۲.۲. طرح‌واره حرکتی:¶ طرح‌واره‌های حرکتی، ساختارهای ذهنی هستند که از تجربه‌های حرکتی ما شکل می‌گیرند؛ مانند بالا و پایین، جلو و عقب و... طرح‌واره حرکتی در بردارنده یک نقطه آغاز، هدف و مجموعه‌ای از نقطه‌هاست (Johnson, 1987: 114). بر پایه دیدگاه جانسون، حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک، تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده است تا طرح‌واره انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود پدید آورد و برای آنچه یاری حرکت نیست، چنین ویژگی را در نظر بگیرد (همان: ۳۷۵). در باور لیکاف و جانسون در این طرح‌واره، یک متحرک وجود دارد که مسافت میان دو مؤلفه مبدأ و مقصد را می‌پیماید (لیکاف؛ جانسون، ۱۳۹۴: ۶۲). در این طرح‌واره، سه نکته ضرورت دارد: ۱. از آنجا که مبدأ (الف) و مقصد (ب) با مجموعه‌ای از نقطه‌های مجاور به هم متصل شده‌اند، رفتن از الف به ب لازمه گذر از این نقاط میانی است. ب. حرکت در این مسیر جهت‌دار است. ۳. پشت‌سر گذاشتن یک مسیر، لازمه صرف زمان نیز است (سجودی، ۱۳۸۵: ۵۰-۵۱).

۳.۳.۲. طرح‌واره قدرتی:¶ انسان در طول زندگی با موانعی روبرو می‌گردد، ولی حالت‌های انعطاف‌پذیری او سبب می‌شود برای برداشتن این مانع به راهکارهایی بیاندیشد. به گفته جانسون، انسان با دیدن سدها و دیوارها و آنچه در مسیر حرکت، محرک‌ها را قطع می‌کند، طرح‌واره‌ای در ذهن پدید می‌آورد که به قدرت او در گذر از سدها مربوط است (صفوی، ۱۳۸۴: ۳۷۵). طرح‌واره قدرتی از چگونگی برخورد انسان با مانع و حالت‌هایی گوناگون که به دنبال آن برایش به تصویر در می‌آید، الگوهای تصویری را در ذهن به تصویر می‌کشاند که به یاری آن‌ها، تجربه‌های انتزاعی درک‌شدنی می‌شوند (Johnson, 1987: 42). با توجه به اهمیت ساخت مفهوم توسط طرح‌واره قدرتی، جانسون، طرح‌واره‌های قدرتی را به انسداد و رفع، نیروی متقابل، انحراف از جهت، اجبار، رفع مانع و جذب و توانایی دسته‌بندی کرده است (همان: ۱۲۶).

### ۳.۴. طرح‌واره‌های تصویری در سوره ص

در این سوره، به جز طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی، طرح‌واره‌های چندوجهی نیز یافت شد که در ذیل این

° Containment Schemas

¶ Path Schemas

¶ Force Schemas

سه طرح‌واره، دسته‌بندی کردیم. گفتنی است ترجمه آیه‌ها از علی ملکی است.

## ۲. ۴. ۱. طرح‌واره حجمی

مثال ۱. «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ» (ص / ۱).

ترجمه: «ص، قسم به قرآن پر عبرت».

مراد از «ذکر»، یادآوری خدای تعالی به توحید و به معارف حقی است که از توحید او سرچشمه می‌گیرد؛ مانند معاد، نبوت و ... (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۲۷۶). خداوند با بیان قرآن صاحب ذکر به حجم بزرگی از مسائل مهم معاد، نبوت و یادآوری‌ها برای هدایت بشر اشاره می‌فرماید؛ یعنی «قرآن» ظرف گسترده‌ای از حجم مظروف «ذکر» است که یادآور روز بزرگ رستاخیز، نبوت، توحید و همه راه‌های رسیدن به خوشبختی بشر را ترسیم می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲۶۶: ۲۱۹). در این آیه، قرآن به عنوان یک طرح‌واره حجمی و ظرفی بزرگ از معانی و یادآوری‌ها و جایگاه بیان مسائل مربوط به توحید، نبوت و روش‌های زندگی انسان‌ها از ابتدای تولدشان تا روز رستاخیز است.

مثال ۲. «كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَجِئْ مَنَّا» (ص / ۲).

ترجمه: «چه ملت‌های زیادی را قبل از آن‌ها نابود کردیم. فریادشان بلند بود، ولی دیگر کار از کار گذشته بود».

قرن: سده (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۵۳۹). واژه «قرن» به معنای مردمی است که در یک عصر زندگی می‌کنند و معنای آیه در تفسیر چنین آمده است: ما قبل از این کفار، چه بسیار قرن‌ها و امت‌ها را که به کیفر تکذیب پیامبران منذر هلاک کردیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۲۲۹). عبارت «مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ» حجم گسترده‌ای از زمان و اقوام را نشان می‌دهد. در این آیه، اقوام بسیاری که به خاطر مخالفت با حق مورد هلاکت عذاب خداوند قرار گرفتند، مظروف ظرفی هستند که نامیدن «قرن» یعنی عصر هلاکت آن‌ها در زمان گذشته رخ داده است؛ به عبارتی از واژه «قرن» طرح‌واره حجمی تصور می‌شود.

مثال ۳. «أُمِّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص / ۹).

ترجمه: «مگر گنجینه‌های رحمت خدای شکست‌ناپذیر بخشنده‌ات دست آن‌هاست؟!». «عند»: نزد، پیش (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۴۶۳). واژه «عند» مفهوم «فی» را که بیان اشغال حجم گسترده رحمت خداوند است به تصویر کشیده است؛ رحمتی که بخشش عام خداوند برای تمام جنبندگان زمین و آسمان‌هاست. این فضای گسترده را می‌توان مبتنی بر مفهوم انتزاعی دانست که بر طرح‌واره حجمی به نمایش درآمده است.

مثال ۴. «إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ» (ص / ۲۲).

ترجمه: «وقتی یک دفعه‌ای پیش داود آمدند و او از حضورشان جا خورد، گفتند: نترس».

فزع: خوف (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۱۷۲). راغب می‌گوید؛ واژه «فزع» به معنای انقباض و نفرتی است که در اثر برخورد با منظره‌ای هولناک به آدمی دست می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۹). وجود ترس در دل داود با دیدن دو ملک متمثل به دو انسان- به عنوان مظروف و دل داود به عنوان ظرفی است که دارای حجم و فضا به ذهن متصور می‌شود.

مثال ۵. «فَقَفَرْنَا لَهُ ذَلِكُمْ وَأَنَّ لَهُ عِنْدَنَا لُزْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ» (ص / ۲۵).

ترجمه: ما هم لغزش‌هایش را بخشیدیم. او پیشمان‌الامقام است و خوش عاقبت.

«زلف»: نزدیک شدن و اسم مصدر «زُلْفَى» به معنای مقام و منزلت (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۷۳). و مآب جمع مآبها: جایگاه و پناهگاه (معجم المعانی، حرف المیم). «حُسْن مآب» اشاره به بهشت و نعمت‌های اخروی دارد. واژه «مآب» به معنای مرجع است و واژه «زلفی» و «مآب» نکره (بدون الف و لام) آمده است تا بر بزرگی مقام و مرجع دلالت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹). بنابراین «حسن مآب» به عنوان مطروفی در دل داود در نظر گرفته شده است. مثال ۶. «إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ» (ص/۳۲).

ترجمه: عصرگاهان اسب‌های اصیل و تندرو را در برابر سلیمان به نمایش گذاشتند. عشی: به عقیده راغب از اول ظهر است تا صبح روز بعد (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۴) و در برابر آن، واژه «غداه» به معنای روز است. تعبیر «بالعشی» یعنی در زمان «شامگاهان»، فضا و حجمی بزرگ از ظرف زمان را به تصویر می‌کشد که در آن زمان «عشی»، رژه اسبان آماده برای جهاد، مورد بازدید حضرت سلیمان قرار گرفتند. مثال ۷. «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي» (ص/۳۵).

ترجمه: و گفت خدایا، من را بیامرز و حاکمیتی در اختیارم بگذار که جز من کسی مانندش را نداشته باشد. «مَلِك» به معنای حکومت و اداره امور است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۲۷۳). در این آیه، خدا تقاضای سلیمان را پذیرفت و حکومتی با امتیازات ویژه و مواهبی بزرگ در اختیار او گذاشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۲۹۴)، مانند: تسخیر بادها، تسخیر موجودات سرکش و قرار دادن آن‌ها در اختیار او، مهار کردن گروهی از نیروهای مخرب شیطان و ... از این همه مقامات معنوی و مادی خداوند به حضرت سلیمان، فضای گسترده‌ای از حجم در ذهن متصور می‌شود که بیان طرح‌واره حجمی را به تصویر می‌کشد.

مثال ۸. «جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَنَةٍ لَّهُمْ الْأَبْوَابُ» (ص/۵۰). ترجمه: باغ‌های همیشه سبزی که دره‌ایش به رویشان باز است. «جَنَّةٌ»: باغ، بهشت (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۷۴). خداوند به بندگان پرهیزگاران بهشت‌های جاودانی را که دره‌ایش باز است، وعده داده است؛ آن هم نه یک بهشت، بلکه بهشت‌هایی با گستردگی فراوان. خداوند واژه جَنَّة را با عرضی به اندازه حجم آسمان‌ها و زمین به عنوان ظرف در نظر گرفته است.

مثال ۹. «جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَيْسَ الْمِهَادُ» (ص/۵۶). ترجمه: جهنمی که در آن سرخ و سوخته می‌شوند و بد جایگاهی است. جهنم: دوزخ (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۹۹) و مهاده از فعل مَهَدَ: بستر، استراحتگاه، جای هموار (همان: ۶۶۲) و صَلِي: در آتش سوختن (همان: ۳۷۱). واژه «مِهَاد» به معنی بستری است که برای خواب و استراحت گسترده می‌شود. دو واژه «جَهَنَّمُ و مهاده» دارای حجمی بزرگ در نظر گرفته شده که جمعیتی میلیاردي از کافران و منافقان و مشرکان در خود جای می‌دهد. نکره آمدن لفظ جهنم بدین سبب است که بزرگی آن، نعمت و هول و هراس را برساند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۵۴۷: ۲). این حجم انبوه از گنهکاران و عذاب و آتش در یک مکان، طرح‌واره حجمی را به تصویر می‌کشد.

مثال ۱۰. «قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ» (ص/۶۱). ترجمه: بعد می‌گویند: خدایا، آن‌هایی که این وضع را برای ما پیش آوردند، عذابشان را در آتش دو برابر کن. «نار»: آتش و «النار»: دوزخ (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۷۲۲). معنای اولیه واژه «نار»، آتش است که در این آیه «النار» مجاز از «جهنم» است؛ یعنی جهنمی که دارای حجم و ابعادی بزرگ برای جا دادن کافران، منافقان و مشرکان است. بنابراین

واژه «النَّار» به عنوان ظرف در نظر گرفته شده است.

مثال ۱۱. «وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ» (ص/۶۲).

ترجمه: جهنمی‌ها می‌گویند: «مردان را که جزء اشرار به حساب می‌آوردیم، چرا اینجا نمی‌بینیم؟! پرسش اهل جهنم این است که چرا ما اشرار را (همراه خود) در این جهنم (هنا) (که در تقدیرش نهفته است) نمی‌بینیم؟! در این آیه، وجود اشرار و همراهانشان در مکانی به عنوان جهنم، طرح‌واره حجمی را ترسیم می‌کند.

مثال ۱۲. «اتَّخَذْنَاهُمْ سُخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (ص/۶۳).

ترجمه: «بی‌جهت آن‌ها را در دنیا به مسخره گرفته بودیم؟! یا که چشم‌هایمان درست کار نمی‌کند».

برخی از مفسران بیان کرده‌اند که مسأله سخریه، اشاره به وضع عالم دنیاست و جمله «زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» اشاره به وضع دوزخ است؛ یعنی در اینجا چشم نزدیک‌بین ما، در میان این همه شعله‌های دود و آتش جهنم آن‌ها را نمی‌تواند ببیند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۲۹۷). بنابراین، اشرار و همراهانشان در جهنمی قرار می‌گیرند که مظروف آن جهنم است.

مثال ۱۳. «مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِئِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (ص/۶۹).

ترجمه: اگر به من وحی نمی‌شد محال بود از فرشتگان عالم بالا خبر بگیرم، آن وقت که درباره آفرینش آدم بگو و مگو می‌کردند.

«ملاً» به معنای دهر است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۲۹۰). مخاصمه و گفتگوی فرشتگان در «ملاً اعلی» یعنی مکانی بلند، که به احتمال بسیار، در عرش و آسمان‌ها وجود دارد و این نشان‌دهنده مکانی است که در آن، ملائکه گفتگو از اعمال آدمیان داشته‌اند. این مکان مجازی فرشتگان، طرح‌واره تصویری حجمی را در ذهن به تصور می‌کشد.

#### ۴.۲.۲. طرح‌واره حرکتی

مثال ۱. «ءَأَنْزَلَ عَلَيْهِ ذِكْرًا مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي» (ص/۸).

ترجمه: «آیا از میان همه ما قرآن فقط بر او فرستاده شده؟! آن‌ها به قرآن هم مشکوک‌اند». «ذکر»: نام، ذکر نام خداوند و «الذکر الحکیم»: قرآن کریم (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۲۱۶). نزول وحی بر پیامبر از جانب خداوند، «طرح‌واره حرکتی» از بالا به پایین را در ذهن انسان متصور می‌کند که در این مسیر، با مانع کفار که همان تردید است، روبرو می‌شویم. بر این پایه، مبدأ حرکت از جانب خداوند و مقصد این حرکت، قلب پیامبر گرامی اسلام است. از این روی ساختار زبانی بر پایه طرح‌واره حرکت، (بالا) نزول وحی از جانب خداوند و (قلب پیامبر) پایین اشاره دارد.

مثال ۲. «وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ» (ص/۱۵).

ترجمه: «بت‌پرست‌های زمان تو نیز فقط منتظر یک غرّش وحشت‌زاینده که فرصت پلک‌زدن هم ندهد».

فواق: بازگشت به دنیا «معجم المعانی، حرف الفاء». «فَوَاقٍ» (بر وزن رواق) به معنای بازگشت، آمده است و از همین جهت، بهبودی مریض را «إفَاقٍ» می‌گویند. و نیز به هوش آمدن مست و عاقل شدن دیوانه را به خاطر بازگشت هوش و عقل به آن‌ها «إفَاقِهِ» می‌گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۲۳۵). انتظار کفار برای رسیدن آن صیحه گسترده الهی، نشان‌گر دو نقطه شروع و پایان در مسیر این «فواق» است که طرح‌واره حرکتی را در ذهن آدمی به تصویر می‌کشد. و

حرکت (مبدأ) عذاب از جانب خداوند و (مقصد) رسیدن صیحه آسمانی است. و عبارت «صَيْحَهُ وَاحِدَهُ» (یک غزش) حرکت سریع و ناگهانی را نشان می‌دهد.

مثال ۳. «فَاسْتَعْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ» (ص/۲۴).

ترجمه: «از خدا آمرزش خواست و سر فرود آورد و به درگاهش رو کرد».

«خَرَّ»: افتادن و «خَرَّ عَلَى الْأَرْضِ»: به خاک افتادن (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۱۶۰). «خَرَّ» و «خَرِير» به معنای سقوط همراه با صدا است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۳۶). رکوع داود از قیام به سجده، برای تسبیح خدا، مسیر حرکتی را از بالا به پایین، «حالت سجده» را در ذهن مجسم می‌کند. در این مسیر «مبدأ» حالت قیام و سجده «مقصد» حرکت را ترسیم می‌کند.

مثال ۴. «رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفَّقَ بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ» (ص/۳۲).

ترجمه: دستور داد «پیش من برشان گردانید، پس با دست کشیدن بر ساق و یال‌هایشان شروع کرد به نوازششان.

«رُدُّ» به معنای برگرداندن است؛ خواه بر برگرداندن ذات شیء باشد و خواه بر برگرداندن حالت (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۷۹). سلیمان گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم (که نماز مستحب پایان روز است) اختیار کردم؛ زیرا می‌خواهم از آنان در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می‌کرد تا اینکه (خورشید) در پشت پرده افق پنهان شد. جمله «رُدُّوْهَا» امر حضرت سلیمان (ع) به برگرداندن خورشید از محل غروب آفتاب «مغرب» به طرف محل طلوع خورشید «مشرق» است که حرکت خورشید را از مغرب «مبدأ» به سمت مشرق «مقصد» به تصویر می‌کشد. بنابراین این آیه طرح‌واره حرکتی را در ذهن مجسم می‌کند؛ یعنی ساختار زبانی، (رُدُّ الشَّمْسِ) حرکت طلوع خورشید، از مغرب به مشرق اشاره دارد.

مثال ۵. «وَأَلْقَدْنَا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا» (ص/۳۲).

ترجمه: «در ضمن او را آزمودیم و جسد بچه‌اش را روی تخت پادشاهی‌اش انداختیم».

«أَلْقَى» یعنی فرشته‌ای به امر خداوند، جسدی را از مکانی بلند «مبدأ» به سوی تخت سلیمان به عنوان مقصد پرتاب می‌کند که تصور ذهنی «طرح‌واره حرکتی» از بالا به پایین را به تصویر می‌کشد؛ بنابراین ساختار زبانی، به (بالا) انداختن جسد از بالا (پایین) تخت سلیمان اشاره دارد.

مثال ۶. «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ حَيْثُ يَشَاءُ» (ص/۴۰).

ترجمه: پس باد را در اختیار سلیمان گذاشتیم به فرمانش هر جا که او می‌خواست به راحتی می‌وزید. «تسخیر»: وادار کردن به عمل با قهر و اجبار. طبرسی آن را رام کردن گوید (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۴۳). معنی آیه، مسیر باد را از نزد سلیمان (ابتدا) و جهت باد را به سوی «مَآيَشَاءُ»، (هر جا که بخواهد) (مقصد) ترسیم می‌کند. این سفر سلیمان به وسیله باد تحت فرمان او، طرح‌واره حرکتی را در ذهن مجسم می‌کند و ساختار زبانی بر پایه طرح‌واره حرکت (تَجْرِي بِأَمْرِهِ) حرکت باد را از نزد سلیمان «ابتداء» به (حَيْثُ مَا يَشَاءُ) به عنوان (مقصد) نشان می‌دهد.

مثال ۷. «هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ» (ص/۴۹).

ترجمه: این قرآن مایه یادآوری است. عاقبتی خوش در انتظار خود مراقبان دارد.

مآب جمع مآباه: جایگاه و پناهگاه (معجم المعانی، حرف المیم). خداوند در این آیه، مسأله را از صورت خصوصی و

بیان زندگی پیامبران درآورده و شکل کلی به آن می‌دهد. با توجه به اینکه «مآب» محل بازگشت انسان‌ها از دنیا به سرای آخرت مشخص می‌شود، تصور طرح‌واره تصویری حرکتی را از دنیا به عنوان «مبدأ» در مسیر آخرت به حسن مآب «مقصد» در ذهن انسان به تصویر می‌کشد؛ یعنی ساختار زبانی به حرکت از دنیا «ابتداء» به سوی سرای آخرت «مقصد» اشاره می‌کند.

مثال ۸. «هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَآبٍ» (ص/۵۵).

ترجمه: این برای این طرف؛ اما آن طرف، بد عاقبتی در انتظار طغیان‌گراهاست.

واژه «مآب» به عنوان محل بازگشت انسان‌های بدکار است که این حرکت، انسان‌ها را از دنیا به «مآب» یعنی محل برگشت (جهنم) انتقال می‌دهد. ساختار زبانی، حرکت از دنیا «ابتداء» به سوی سرای آخرت «مقصد» را نشان می‌دهد.

مثال ۹. «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/۷۲).

ترجمه: «وقتی خلقتش را کامل کردم و به او جان دادم، در برابرش به سجده بیفتید.» «نَفَخَ»: دمیدن و «نَفَخَ فِي رُوحِهِ»: جان به او بخشید (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۷۰۲). این واژه از ریشه «نَفَخَ»، یعنی دمیدن در چیزی گرفته شده است و از روح خدا به وسیله فرشته‌اش «ابتداء» به سوی جسم سفالی از گل آدم (ع) «مقصد» اشاره دارد؛ در حقیقت حرکت روح از جانب خداوند به سوی آدم را نشان می‌دهد.

مثال ۱۰. «فَسَجِدُوا الْمَلَائِكَةَ كُلَّهُمْ أَجْمَعُونَ» (ص/۷۳).

ترجمه: همه فرشتگان سجده کردند.

«سجود» در لغت به معنای تذلل، خضوع و اظهار فروتنی است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۲۵). پس از دمیده شدن روح خدایی در جسم آدم خاکی و امر خداوند به ملائکه برای سجده بر آدم، همه ملائکه نزول کرده و بر آدم سجده کردند. نزول ملائکه، آغاز حرکتی از عرش تا فرش است که طرح‌واره تصویری حرکتی از بالا به پایین را مجسم می‌کند؛ به همین روی ساختار زبانی، به «سَجِدُوا» حرکت از بالا «ابتداء» به سوی مسجد محل سجده «مقصد» اشاره دارد.

مثال ۱۱. «قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (ص/۷۷).

ترجمه: «گفت: از این موقعیت اخراجی، چون که تو رانده شدی.»

«رجیم»، از اوصاف شیطان و به معنای مرجوم و رانده شده است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۵۸). خداوند در رجم «ابلیس» برایش مسیر مشخص می‌کند و می‌فرماید: تو از رحمت خدا رانده شده‌ای و از رتبه کرامت تا روز قیامت دور مانده‌ای. طرد «ابلیس» از رحمت خداوند در مسیر حرکتش به گمراهی تا روز قیامت، طرح‌واره تصویری حرکتی را از بالا (رحمت خداوند) به پایین (گمراهی و رانده شدن) در ذهن به تصویر می‌کشد.

مثال ۱۲. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (ص/۷۹).

ترجمه: گفت: خدایا تا روزی که مردم دوباره زنده می‌شوند، مهلتم بده، فرمود: به تو مهلت می‌دهم، بلکه تا روزی که زمانش را من می‌دانم.

شیطان از خداوند درخواست می‌کند که من را تا روز رستاخیز که انسان‌ها برانگیخته می‌شوند، مهلت بده؛ مهلتی که از فرزندان آدم انتقام بگیرم و خداوند تا زمان معینی (يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) به وی مهلت می‌دهد. در این آیه، خداوند آغاز مهلت دادنش را از زمان نافرمانی تا وقت معلوم مشخص می‌کند و این بازه زمانی، بیان آغاز و پایان حرکتی را نشان

می‌دهد.

#### ۳.۲.۴. طرح‌واره قدرتی

مثال ۱. «بَلِّ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزِّهِ وَشِقَاقِ» (ص/۲).

ترجمه: «ولی بت پرست‌های بی‌دین، دچار غرور و لجبازی‌اند».

عزه: قدرت، غرور (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۴۳۵) و شقاق: اختلاف، تفرقه، ناسازگاری (همان: ۳۳۸). به گفته «راغب»، عزت در «مفردات»، حالتی است که مانع مغلوب‌شدن انسان می‌گردد (حالت شکست‌ناپذیری) و در اصل از «عزاز» به معنی سرزمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است. «شقاق» از ماده «شق» به معنی «شکاف» است که به معنی اختلاف نیز به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۷: ۲۲۶). در این آیه، با طرح‌واره قدرتی روبرو هستیم؛ زیرا کافران با کبر و غرور و ایجاد اختلاف از مانع عبور نکرده‌اند؛ واحدهای نمادین این طرح‌واره قدرتی، «شِقَاق و عِزِّه» می‌باشد.

#### ۴.۲.۴. طرح‌واره حجمی - حرکتی

مثال ۱. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (ص / ۱).

ترجمه: «به نام خدای بزرگوار مهربان».

طرح‌واره حرکتی: گفتن بسم الله در آغاز هر کار، به معنای استعانت جستن به نام خدا (أَسْتَعِينُ) و نیز شروع کردن (أَبْتَدِئاً) به نام او است؛ یعنی این دو استعانت و شروع، به یک ریشه باز می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۹). با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» کاری را آغاز می‌کنیم؛ یعنی یک مبدأ و مقصد داریم؛ مقصد ما رسیدن به رحمانیت خداوند است که بر پایه نظریه جانسون، «طرح‌واره حرکت» مصداق عینی پیدا می‌کند؛ زیرا نقطه حرکت ما با نام خداوند و نهایت حرکت ما به رحمت خداوند که مقصد باشد منتهی می‌شود. بنابراین ساختار زبانی، (مبدأ) تمسک به خدا و (مقصد) رحمت گسترده خداوند است.

طرح‌واره حجمی: صفت «رحمان»، اشاره به رحمت عام خداست که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر نیکوکار و بدکار است؛ از سویی دیگر «رحمان» را صیغه مبالغه دانسته‌اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۶). بهتر است این حجم بزرگ از حقیقت رحمت خداوند را از زبان قرآن بشنویم، آنجا که می‌گوید: «وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلِّ شَيْءٍ»: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته است» (اعراف/ ۱۵۶). طرح‌واره حجمی در این آیه، از راه تصور مفهوم انتزاعی رحمت، به عنوان ظرفی دارای حجم به وجود آمده است و با مشاهده ظرفیت رحمت تصورشدنی است؛ یعنی: رحمت خدا که مفهوم وهمی است، همچون ظرفی دارای گنجایش، تصویرسازی شده که می‌تواند چیزی را درون آن جای داد و مظروف این ظرف، همان مؤمنان هستند.

مثال ۲. «أَمَّ لَهُم مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلَيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ» (ص/۱۰).

ترجمه: مگر فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، مال آنهاست؟! پس با هر وسیله ممکن بالا بروند.

طرح‌واره حجمی: «ملک» بر وزن قفل، در استعمال قرآن به معنای حکومت و اداره امور است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱،

ج ۶: ۲۷۳). ملک آسمان‌ها و زمین، بیان حجم گسترده‌ای از فضای بی‌پایان کهکشانشان را به تصویر می‌کشد که طرح‌واره حجمی را در ذهن مجسم می‌کند.

طرح‌واره حرکتی: واژه «ارتقاء» به معنای بالارفتن از زمین «مبدأ» در مسیر آسمان‌ها «مقصد» و یادآور طرح‌واره حرکتی از پایین به بالا یعنی از زمین به سوی آسمان‌ها است؛ از این روی ساختار زبانی بر اساس طرح‌واره حرکت، (پایین) از زمین به طرف (بالا) آسمان اشاره دارد.

مثال ۳. «اَصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْيَدِ اِنَّهُ اَوْابٌ» (ص/۱۷).

**ترجمه:** در برابر یاهو سرایی‌شان صبوری کن و به یاد بنده خوبمان داود توانمند بیفت. او خدامحور بود. طرح‌واره حجمی: «أید»: دست، قدرت و ذوالید: بانفوذ، متصرف (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۷۹۹-۸۰۰). واژه «أید» به معنای نیرو (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۲۸۸) و قوه (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۵۱) است. با توجه به مفهوم آیه، خداوند متعال آن چنان نعمت‌های ظاهری و معنوی را به داود (ع) عطا فرمود که انباشتی از قدرت، علم، نعمت‌های مادی و حکومت پادشاهی را با حجمی بزرگ در ذهن انسان به تصویر می‌کشد.

طرح‌واره حرکتی: واژه «أواب» به معنای رجوع است و حرکت به سوی خداوند را نشان می‌دهد. بنابراین ساختار زبانی، استغاثه داود علیه‌السلام (مبدأ) و رسیدن به خشنودی خداوند (مقصد) است.

مثال ۴. «وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلُّ لُهُ اَوْابٌ» (ص/۱۹).

**ترجمه:** پرنده‌ها را دسته جمعی رام کردیم. همگی خدامحور بودند.

طرح‌واره حجمی: واژه «محشوره» از «حشر» به معنای جمع‌آوری به زور است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۲۸۹). و «محشور» از فعل «حَشَرَ» به معنای جمع کردن و گردآوردن قوم به یک مکان است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۴۴). با توجه به مفهوم واژه «حشر» در آیه، تجمّع و حشر هزاران هزار پرنده به همراه حضرت داود برای تسبیح خداوند، اشغال فضای بزرگی را به ذهن، تداعی می‌کند. طرح‌واره حرکتی: و واژه اوب: بازگشت (همان: ۲۱) و «أواب»: بسیار رجوع‌کننده (همان، ج ۱: ۱۳۹). جمله «كُلُّ لُهُ اَوْابٌ» یعنی بسیار با تسبیح به سوی ما رجوع می‌کردند؛ زیرا تسبیح یکی از مصداق‌های رجوع به سوی خداوند است.

این آیه، تصوّر ذهنی حرکت از مبدأ موجودات از جمله پرنده‌گان را به سوی مقصد که خداوند است، به تصویر می‌کشد؛ به بیان دیگر، طرح‌واره تصویری پایین به بالا را با واژه «أواب» نشان می‌دهد.

مثال ۵. «كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُو الْاَلْبَابِ» (ص/۲۹).

**ترجمه:** این قرآن، کتابی است پربرکت که آن را به سوی تو فرستادیم تا مردم در آیه‌هایش دقت کنند و مردم عاقل به خود بیایند.

طرح‌واره حرکتی: «نزول» یعنی فرودآمدن (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۷: ۴۴). این آیات از جانب خداوند از بالا و عرش به سوی انسان که در زمین ساکن است، فرو فرستاده شده و این «نزول»، طرح‌واره حرکتی را از بالا به پایین در این مسیر طولانی در ذهن آدمی به تصویر می‌کشد. و ساختار زبانی، به (بالا) نزول وحی از جانب خداوند و (قلب پیامبر) پایین اشاره دارد.

طرح‌واره حجمی: واژه، «مُبَارَكٌ» به معنای برکت‌داده شده است و چون این واژه، به صورت مطلق به کار رفته است، هرگونه خیر دنیا و آخرت را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۲۸۷). در این آیه، واژه «مُبَارَكٌ» به عنوان مکانی دارای حجم و نوعی ظرف فرض می‌گردد که مجموعه سعادت دنیا و آخرت را در خود جای داده و حجم گسترده‌ای

از برکت را نشان می‌دهد.

#### ۴.۲.۵. طرح‌واره قدرتی-حرکتی

مثال ۱. «وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ» (ص/۲۱).

ترجمه: پیامبر! آیا تا به حال داستان شاکسانی که از دیوار عبادتگاه (داوود) بالا رفتند را شنیدی؟! حرکتی: فعل «تَسَوَّرُوا» به معنی «پريدن و بالا رفتن» است؛ مانند فعل «تَسَنَّاهُ» که به معنای بالا رفتن بر کوهان شتر است. «داود» (ع)، محافظین فراوانی در اطراف خود داشت، طرفین نزاع از غیر راه معمولی از دیوار محراب و قصر او بالا رفتند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۲۹۰). بالا رفتن از دیوار، طرح‌واره حرکتی از پایین به بالا را نشان می‌دهد. قدرتی: متنازعین برای رسیدن به حضرت داود با مانع یعنی محافظین قصر، روبرو می‌شوند و برای عبور از این سد، وادار به راه حل جدیدی یعنی بالا رفتن از دیوار محراب می‌شوند که دور از چشم نگهبانان قصر است. بنابراین ساختار زبانی متفاوت طرح‌واره، ممانعت از ایجاد یک مانع یا مهار در برابر یک نیرو یا حرکت است و طرح‌واره قدرتی به شمار می‌رود.

مثال ۲. «إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (ص/۷۴).

ترجمه: «جز ابلیس که تکبر کرد و چشمش را بر روی حقایق بسته بود». طرح‌واره حرکتی: ابلیس در مسیر حرکت نزولی اش با مانعی به نام کبر روبرو گردید که طرح‌واره تصویری حرکتی از بالا به پایین و رویارویی با مانع را در ذهن انسان به تصویر می‌کشد. طرح‌واره قدرتی: استکبار ابلیس، مانعی بر سر راه بندگی و تقرب او به خداوند شد و افزون بر طرح‌واره حرکتی دارای طرح‌واره قدرتی است؛ او نتوانست بر مانع بزرگ تکبر غلبه کند، از این‌روی از درگاه الهی رانده شد.

#### ۴.۲.۶. طرح‌واره حجمی-قدرتی

مثال ۱. «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶).

ترجمه: داود! تو را نماینده خود در زمین کردیم. میان مردم به حق داوری کن و تابع میل خودت نباش که از راه خدا منحرف می‌کند. کسانی که از راه خدا منحرف شوند و روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت نصیبشان می‌شود. طرح‌واره حجمی: «یوم الحساب» به‌عنوان مظلوفی در دل داود و واژه «الأرض» (زمین) چون یک ظرف بزرگ در نظر گرفته شده است.

طرح‌واره قدرتی: «ضلل»: ضلال و ضلالت به معنای انحراف از حق است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۹۲). در جمله «يُضِلُّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ»، مانع راه حق «سبیل الله» در مسیر رسیدن به آخرت، پیروی از هوای نفس، بیان شده و رفع این سد در مسیر، اطاعت از خداوند است که این، تصویری از طرح‌واره قدرتی را در ذهن ترسیم می‌کند؛ این جمله نشان‌دهنده مانع در مسیر هدایت است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی کلام وحی در سوره ص که مجموعاً شامل ۸۸ آیه می‌شود، نشان از آن دارد که بر اساس نظریه جانسون، از نظر نوع و فراوانی کاربرد طرح‌واره‌های تصویری، آمار ۵۱ درصد به‌طور متوسط حاکی از آن است که در هر

دو آیه یک طرح‌واره به کار رفته است. گفتنی است در برخی از آیه‌ها حتی دو طرح‌واره تصویری نیز وجود دارد. بی‌تردید با این حجم کاربرد طرح‌واره تصویری و تناظری که با مضمون معنایی و موضوعی هر آیه دارد، می‌توان گفت کاربرد آن‌ها در رمزگشایی معنایی قرآن، امری قطعی است.

همان‌گونه که از بررسی کمی داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها برمی‌آید، از مجموع طرح‌واره‌های تصویری، طرح‌واره حجمی و حرکتی، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و در میان طرح‌واره‌های چندوجهی ترکیبی نیز، طرح‌واره حجمی - حرکتی، بیشترین کاربرد را دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت؛ نزدیک به نیمی از رسالت مفهوم‌سازی، از طریق طرح‌واره‌های تصویری با طرح‌واره حجمی انجام شده است و نیم دیگر نیز از طریق طرح‌واره‌های حرکتی و قدرتی مفهوم‌سازی شده‌اند.

جدول ۱. بسامد و درصد فراوانی طرح‌واره‌های تصویری در سوره ص

طرح‌واره	حجمی	حرکتی	قدرتی	جمع کل
بسامد	۱۳	۱۲	۱	۲۶

جدول ۲. فراوانی طرح‌واره‌های چندوجهی

طرح‌واره	حجمی - حرکتی	قدرتی - حرکتی	حجمی - قدرتی	جمع کل
بسامد	۵	۲	۱	۸

## ۶. منابع

-القرآن الکریم.

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴ش)، فرهنگ واژگان قرآنی، تهران: نشر نو.
۲. افراشی، آریتا و همکاران (۱۳۹۰ش)، «استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکرمدار»، زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، صص ۳۹-۶۱.
۳. تیلر، رابرت (۱۳۸۳)، بسط مقوله: مجاز در کتاب استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، ترجمه مریم صابری پورنوری فام، تهران: مهر.
۴. صفوی، کوروش (۱۳۷۹)، درآمدی بر معناشناسی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سوره مهر.
۵. صفوی، کوروش (۱۳۸۴)، «بحثی درباره طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معناشناسی شناختی»، فصلنامه علمی پژوهشی نامه فرهنگستان، شماره ۲۰، صص ۸۵-۶۶.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۷ش)، تفسیر طباطبائی، قم: دفتر نشر اسلامی.
۷. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، نامه نقد، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر خانه کتاب.

۸. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۸۱)، قاموس قرآن، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۹. معصومی، علی؛ کردبچه، مریم (۱۳۸۹ش)، «استعاره‌های هستی‌شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان»، یازدهم، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۸۵-۱۰۴.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴ش)، تفسیر نمونه، چاپ ۲۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. معجم المعانی الجامع، عربي-عربي، في الموقع: [/https://www.almaany.com](https://www.almaany.com)
12. Johnson, M., & Lakoff, G. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
13. Johnson, Mark, *The Body in the Mind*, Chicago: University of Chicago Press. (1987).
14. Johnson, Mark "The Philosophical Significance of Image Schemas". In B. Hampe (Ed.), *From Perception to Meaning: Image Schemas in Cognitive Linguistics* (pp. 15-33). Berlin: Mouton de Gruyter. (2005).
15. Lakoff, George.(1987). *Women, Fire, and Dangerous Things; What Categories Reveal about the Mind*; Chicago and London: the University of Chicago Press
16. Lakoff, G & Johnson, M. (2009). *Metaphors We Live By*; Translated by Abd al-Majid Jahfa, 2nd Edition, Morocco: Dar Toubkal Publishing.